

بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی بانکها بر نوع ریسک‌پذیری بانکها (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

پروین نصرتی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول).

parking.nosrati1393@gmail.com

دکتر حسن احمدی

دکتری حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر، ایران.

Ahmadihassan80@yahoo.com

دکتر اسمعیل کمالی راد

استادیار گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر، ایران.

kamalirade@yahoo.com

چکیده

افشای مسئولیت اجتماعی به عنوان پل ارتباطی بین واحدهای تجاری و ذی‌نفعان است و باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود. ساختار مالکیت بسته به نفوذ سهام‌دارانش می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رویه‌های مدیران داشته باشد. بدین ترتیب کارکرد درونی افشای مسئولیت اجتماعی و مالکیت می‌تواند منجر به بهبود جایگاه شرکت در نهایت افزایش بازده و سودآوری و سرانجام بقای بلند مدت شرکت‌ها شود. بر این اساس در تحقیق حاضر هدف اصلی بررسی نحوه اثرگذاری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی بانک‌ها بر نوع ریسک‌پذیری بانک‌ها شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت در دسته تحقیقات کاربردی است. در این پژوهش جامعه آماری تمامی بانک‌های فعال در سیستم بانکی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. نمونه تحقیق شامل بانک‌هایی که داده‌های آن‌ها در طول بازه زمانی تحقیق در دسترس بوده است. روش برآورد در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت داده‌ها روش پانل دیتا انتخاب شده است. بر اساس نتایج تحقیق حاکمیت شرکتی بر ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد؛ اما مسئولیت اجتماعی بر ریسک عملیاتی و ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد؛ اما تأثیر معناداری بر ریسک نقدینگی ندارد.

واژه‌های کلیدی: ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی، حاکمیت شرکتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

مقدمه

در امور مالی، ریسک نوعی احتمال است که بازگشت واقعی منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را متفاوت‌تر از حد انتظار خواهد نمود. با این حال، در اکثر موارد، سرمایه‌گذاران بیشتر نگران ریسک کاهش در سرمایه‌گذاری خود می‌باشد (هاولی و همکاران، ۲۰۱۲).

امروزه شرکت‌ها برای جلب سرمایه‌گذاران سعی در حداکثر کردن ارزش شرکت^۲ دارند. افزایش درآمد و رشد در سود به عنوان یکی از راه‌کارهایی است که برای این منظور در نظر می‌گیرند. در بورس اوراق بهادار تهران نیز شرکت‌ها سعی دارند با افزایش میزان سود سالانه خود باعث تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در سهام عادی

شوند. از طرفی سرمایه‌گذاران نیز در بازار سرمایه سعی دارند منابع خود را به سمتی سوق دهند که بیشترین سودآوری را برای آن‌ها داشته باشد. در صورتی که سرمایه‌گذاران به سود مورد نظر خود دست نیابند، اقدام به خروج سرمایه از بازار سهام و سرمایه‌گذاری در سایر فعالیت‌ها خواهند کرد که این امر موجب کاهش داد و ستد در سهام و از رونق افتادن بورس اوراق بهادار خواهد شد. از این رو آگاهی از میزان ریسک شرکت‌ها نیز می‌تواند نقش بسزایی در تصمیم‌گیری افراد داشته باشد (فخاری و یوسف نژاد، ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد که حاکمیت شرکتی و ریسک ارتباط خاصی با یکدیگر دارند. توجه بیشتر به حاکمیت شرکتی برای توسعه زمینه‌های مربوط به نظریه‌های مهمی است که بر فرض حداکثرکردن ارزش سهام‌داران استوار است. از این جهت، حاکمیت مناسب شرکت‌های بزرگ باید به تمرکز بر حداکثر سازی ثروت سهام‌داران منجر شود (هاولی و همکاران، ۲۰۱۲).

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از طریق قانون گذاری، اعمال اقدامات نظارتی و نیز اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. از سوی دیگر، سپرده‌گذاران و ذی‌نفعان دیگر بانک‌ها نیز آگاهی بیشتری در مورد ضرورت و اهمیت نظام حاکمیت شرکتی یافته و نسبت به پیگیری استقرار این نظام در شرکت‌ها علاقه مند شده‌اند. ضمن آنکه، استقرار یک نظام جامع و موثر حاکمیت شرکتی بر توسعه و نیز عملکرد کارای بازارهای مالی و تخصیص بهینه منابع در اقتصاد تاثیر مثبت داشته و شواهد تجربی، ارتباط نزدیک میان نظام مناسب حاکمیت شرکتی، عملکرد مطلوب و رشد اقتصادی را نشان می‌دهند. بر این اساس، مقامات نظارتی و قانون‌گذاران کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند، محیطی توانمند متناسب با اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و موسسات مالی ایجاد کنند که می‌توان به تدوین دستورالعمل‌هایی در ارتباط با کنترل‌های داخلی، تبیین وظایف و مسوولیت‌های هیات مدیره و تفکیک وظایف اجرایی و نظارتی، ایجاد کمیته‌های مختلف، افشا و شفافیت اطلاعات مالی، حمایت از حقوق سهامداران، ارتقای امنیت فناوری اطلاعات و تدوین اصولی برای مدیریت انواع ریسک‌ها اشاره نمود (سیف، ۱۳۹۳).

اطلاعاتی که توسط مدیران در اختیار همگان قرار می‌گیرند، شامل اطلاعات مالی و غیرمالی می‌باشد. یکی از مباحثی که اخیراً مطرح شده و از شرکت‌ها انتظار می‌رود که نسبت به افشای اطلاعات آن اقدام نمایند مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌باشد.

مسوولیت‌پذیری اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره‌ی رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره‌ی موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامتی کاری، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد. وارد شدن در فعالیت‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی، نه تنها رضایت سهام‌داران را بهبود می‌بخشد بلکه روی شهرت شرکت نیز تأثیر مثبتی دارد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۰). افشای شاخص‌های مسوولیت اجتماعی توسط شرکت‌ها، که میزان توجه شرکت‌ها را به عملکرد اجتماعی نشان می‌دهد، منجر به بهبود کیفیت افشای اطلاعات شده و ممکن است تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (خوش طینت و راعی، ۱۳۸۳) و عملکرد مالی شرکت‌ها، عرب صالحی و همکاران ۱۳۹۲؛ تسوتسورا ۲۰۰۴؛ ون ده والده و همکاران ۲۰۰۵، و جین و درزدنکو، ۲۰۱۰، را تحت تأثیر قرار دهد.

استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذی‌نفعان شرکت‌ها است (حساس یگانه و داداشی، ۱۳۸۹). در این راستا محور اصلی این تحقیق متمرکز بر تبیین حاکمیت شرکتی و مسوولیت‌پذیری اجتماعی بر ریسک بانک‌های فعال بورس اوراق بهادار تهران است. بر این اساس مسئله اصلی در تحقیق حاضر نحوه اثرگذاری شاخص‌های حاکمیت شرکتی و مسوولیت‌پذیری اجتماعی بر سطح انواع ریسک در صنعت بانکداری خواهد بود؟

مبانی نظری

مسئولیت اجتماعی شرکتها

چون سازمان‌ها و شرکت‌ها تأثیر عمده‌ای بر سیستم اجتماعی دارند، بنابراین فعالیت آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که اثرات مثبت حاصل از آن را به حداکثر برسانند و اثرات منفی را به حداقل کاهش دهند و به عنوان تأثیرگذارترین عضو جامعه، نگران نیازها و خواسته‌های درازمدت جامعه باشند و در جهت رفع معضلات آن‌ها بکوشند. بدین ترتیب، مسئولیت اجتماعی تدابیر و رفتارهای تجاری در حوزه‌های کارگری، مصرف‌کننده‌ها، حمایت‌های زیست محیطی، حقوق بشر، ضوابط رفتاری اخلاقی و اطاعت‌پذیری، فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهی شرکتی را شامل می‌شود. در واقع، توسعه و اجرای تدابیر و استراتژی‌های این حوزه‌ها، ابعاد کلیدی مسئولیت اجتماعی شرکت را تشکیل می‌دهد. مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، این اجزاء را به هم وصل می‌کند و فعالیت‌ها را حول یک چارچوب خاص که حمایت‌کننده تجارت و تقویت کننده گفتگو با ذی‌نفعان اصلی می‌باشد، سازمان می‌دهد (امیدوار، ۱۳۸۴).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، مفهومی انعطاف‌پذیر است. در عین حال که یک شیوه و روش در نظر گرفته می‌شود، یک هدف نیز هست. مسئولیت اجتماعی بخش سازنده استراتژی یک سازمان است؛ شیوه‌ای که سازمان در عرضه تولیدات و یا خدمات به بازار اتخاذ می‌کند (بعد شیوه‌ای مسئولیت‌پذیری). از جهت دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جهت برقراری مشروعیت اقدامات یک سازمان در جامعه، از طریق توجه اولیه به نیازها و دغدغه‌های ذی‌نفعان تلاش می‌کند (بعد هدفمندی مسئولیت‌پذیری). موفقیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در یک سازمان نشانگر این است که تا چه حد آن سازمان توانسته است در حین اجرای مدل سازمانی خود، به خوبی نیازهای ذی‌نفعان را نیز جهت‌یابی کرده و پاسخگو باشد. مسئولیت‌پذیری به معنای ارزش قائل شدن برای ارتباطات به هم وابسته‌ای است که بین سازمان، گروه‌های ذی‌نفع، نظام اقتصادی و جوامع مرتبط وجود دارد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی وسیله‌ای است برای بحث تعهداتی که یک سازمان باید نسبت به جامعه خود داشته باشد؛ شیوه‌ای است برای پیشنهاد ایده‌های سیاست‌گذاری در مورد عمل به تعهدات ذکر شده و نیز ابزاری است که به کمک آن می‌توان منافع دو جانبه سازمان و جامعه را در عمل به تعهدات، معین نمود. نکته حائز اهمیت برای سطوح سازمانی آن است که تصمیمات اتخاذ شده در این سطوح باید با ارزش‌های مثبت سطح اجتماعی مغایرت و تضاد نداشته باشد و حتی بخشی از معیارها و اخلاقیات آن، در ارتباط با ارزش‌هایی باشد که توسعه یافته‌تر است. در غیر این صورت، تناقض در این دو سطح موجب می‌شود سازمان با نگاهی درون‌گرا و به دور از مؤلفه‌ها و هنجارهای اجتماعی، کارکنان سازمانی را با دوگانگی اخلاقی و رفتاری در فضای سازمانی و فضای اجتماعی و حتی فردی مواجه کند و آثار سوء آن در درازمدت در جامعه و سازمان پدیدار شود (قراملکی، ۱۳۸۳).

ساختار مالکیت

در ادبیات موضوعی، مفهوم ساختار مالکیت در دو معنی تمرکز و ترکیب مالکیت به کار رفته است (اکسو و وانگ، ۱۹۹۷). تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهم‌ها بین سهامداران شرکت‌های مختلف. به عبارت دیگر، تمرکز مالکیت دلالت بر آن دارد که چه میزان از کل سهام یک شرکت معین در اختیار تعداد محدودی از مالکین قرار دارد. از سوی دیگر، ترکیب سهامداران به انواع مختلف سهامداران اشاره دارد، بدون توجه به مقدار سهامی که در اختیار دارند. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی معتقدند که هر یک از انواع مالکیت می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. بنابراین، روش‌های کنترل عملکرد مدیران و عوامل مؤثر بر عملکرد آن‌ها و همچنین شیوه اندازه‌گیری تأثیر هر یک از انواع مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها از جمله مسائل است که طرف توجه و علاقه سهامداران، مدیران و محققان بسیاری قرار دارد.

فرضیات مختلفی در رابطه با تأثیر انواع مختلف مالکیت و تمرکز و پراکندگی آن بر رفتار مدیران و نتایج گزارش‌های مدیریتی مطرح گردیده است. به‌طور کلی در رابطه با بلوک‌های دارایی بیرونی و مالکین نهادی سه فرضیه مطرح شده است. طرفداران فرضیه اول (نظارت فعال)، سرمایه‌گذاران نهادی را سرمایه‌گذاران بلندمدت در نظر می‌گیرند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعال بر مدیران دارند. بر اساس این فرضیه، حضور سهامداران نهادی تأثیر مثبتی بر واحد تجاری از طریق نظارت بر مدیران خواهد داشت. این امر باعث اصلاح رفتار مدیران در گزارش سودهای بی‌کیفیت شده و در نهایت کیفیت سود را افزایش خواهد داد.

طرفداران فرضیه منافع شخصی بر این باورند که احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ از منافع خاصی مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه‌ای که می‌تواند در جهت اهداف معاملاتی مورد استفاده قرار گیرد، بهره‌برداری کنند. بنابراین، اگر این فرضیه صحیح باشد، سهامداران نهادی و بزرگ انگیزه‌هایی برای ترغیب مدیران به تهیه سودهای با کیفیت نداشته و به همین دلیل رابطه‌ای منفی بین کیفیت سود و سهامداران نهادی بزرگ وجود خواهد داشت.

فرضیه سوم (هم‌راستایی استراتژیک) می‌گوید که سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران در می‌یابند که همکاری برای هر دو طرف سودآور است. این همکاری آثار مفیدی دارد که نظارت به وسیله سهامداران نهادی می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد و کاهش می‌دهد. بر این اساس، ما شاهد رابطه منفی بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت سود خواهیم بود.

فاما و جنسین (۱۹۸۳)، توجه خود را به هزینه‌هایی معطوف کردند که نسبت بالای مالکیت مدیریت می‌تواند برای شرکت داشته باشد. وقتی مدیر مالک درصد پائینی از سهام شرکت باشد، تحت تأثیر نیروهای بازار کار و اعمال نظارت کارآمد قرار می‌گیرد تا به حداکثر رساندن ارزش مؤسسه حرکت کند (فرضیه همگرایی منافع). در مقابل، زمانی که مدیر، کنترل بخش قابل توجهی از سهام مؤسسه را در دست داشته باشد، او ممکن است رفتارهایی را نشان دهد که کاملاً مغایر با هدف به حداکثر رساندن ارزش مؤسسه باشد (فرضیه سنگربندی).

فرضیه تقاضا، اولین بار توسط بال و شیوا کومار (۲۰۰۵)، ارائه شد. این فرضیه ادعا می‌کند که با توجه به اینکه اطلاعات حسابداری اصلی‌ترین منبع در دسترس عموم برای ارزیابی سودآوری کاری سرمایه‌گذاران است، تقاضای این سهامداران در گزارشگری با کیفیت توسط مدیران منجر به کیفیت بالای سود گزارش شده خواهد شد. در مقابل، این فرضیه می‌گوید که مدیرانی که رفتار فرصت‌طلبانه دارند، موجب کاهش کیفیت سود شرکت‌های عمومی می‌شوند (گایولی و همکاران، ۲۰۱۰).

مبانی نظری انواع ریسک‌ها

در سال ۱۹۵۲، هری مارکوویتز با ارائه مدلی کمی برای اندازه‌گیری ریسک و بازده، و معرفی مفهوم «مرز کارا»، برای اولین بار مقوله‌ی ریسک را در کنار بازده و انحراف معیار قرار داد.

سپس شاگرد او، ویلیام شارپ، در سال ۱۹۸۷ شاخص بتا را برای سنجش تغییرات نسبی ارزش یک سهم در مقابل تغییر ارزش بازار معرفی کرد و با توسعه «مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» (CAPM)، پایه‌های مدیریت علمی پرتفوی را بنا نهاد.

در ادامه، مک‌کالی در سال ۲۰۰۳، شاخص دیرش را به عنوان ملاکی برای سنجش ریسک اوراق بهادار با درآمد ثابت معرفی کرد. این شاخص به طراحی استراتژی‌های مدیریت ریسک از جمله تطابق دیرش و مصون‌سازی کمک شایانی کرد. در ادامه کارهای او، رابطه‌ی غیرخطی ارزش اوراق با درآمد ثابت و نرخ سود بازار مطرح شد و در نتیجه، شاخص تحذب به عنوان معیاری دقیق‌تر برای محاسبه ریسک این اوراق معرفی گردید.

در سال‌های بعد، روش‌های متنوع‌تری مانند واریانس و انحراف معیار، نیمه‌واریانس، میانگین انحرافات مطلق، ضریب تغییرات، دامنه بازدهی و احتمال بازدهی منفی نیز برای سنجش ریسک به کار گرفته شدند (برزنده و حسینی، ۱۳۸۰). پس از دهه ۱۹۷۰، نرخ‌های بازدهی تعدیل‌شده بر اساس ریسک، به عنوان معیار ارزیابی عملکرد استفاده شدند. در سال ۱۹۹۶، موسسه‌ی جی‌پی مورگان □، مدل ارزش در معرض خطر (VaR) را معرفی کرد. این مدل، انواع ریسک‌ها را در یک عدد خلاصه کرده و میزان سرمایه‌ی یک مؤسسه که در معرض زیان قرار دارد را تعیین می‌نماید.

ریسک در نظام بانکی

مفهوم ریسک در بانک‌ها تفاوت‌هایی دارد و مدیریت ریسک بانکی از اهمیت زیادی برخوردار است. این مدیریت باید با مقررات نظارتی، به‌ویژه الزامات بانک مرکزی، همسو باشد. برخی از ابعاد مهم ریسک بانکی به شرح زیر است:

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری، ناشی از عدم بازپرداخت بدهی توسط دریافت‌کنندگان تسهیلات در موعد مقرر است. این ریسک می‌تواند ناشی از تأخیر، مشکوک‌الوصول یا سوخت شدن بخشی از پرتفوی اعتباری باشد. عواملی مانند ضعف در مدیریت اعتباری، کنترل داخلی ناکارآمد، پیگیری نامناسب، یا شرایط بیرونی مانند رکود اقتصادی می‌توانند در بروز این ریسک مؤثر باشند. نحوه تخصیص منابع، ارزیابی سطح اعتباری مشتریان و تصمیم‌گیری‌های منطقی، نقش مهمی در مدیریت این نوع ریسک دارند.

تسهیلات، ریسک‌پذیرترین دارایی بانک‌ها محسوب می‌شوند؛ از این رو نسبت تسهیلات به سپرده‌ها به عنوان یک شاخص مهم ریسک ارائه می‌شود، هرچند این نسبت می‌تواند تحت تأثیر الزامات قانونی نیز باشد.

ریسک نقدینگی

این ریسک ناشی از کمبود یا عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک است. کفایت موجودی نقد، امکان انجام تعهدات و پاسخگویی به نیازهای نقدی سپرده‌گذاران را فراهم می‌آورد. شاخص‌های معرفی‌شده برای این ریسک، می‌توانند در کنترل و مدیریت آن نقش مؤثری ایفا کنند.

ریسک نرخ سود مالی

نوسانات نرخ سود تأثیر مستقیم بر عملکرد بانک دارند. بررسی نسبت تسهیلات به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بیانگر حساسیت دارایی‌ها و بدهی‌ها به نرخ سود است، بسیار ضروری است. همچنین، هرچه سهم سپرده‌های کوتاه‌مدت از کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، بانک در برابر تغییرات نرخ سود، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود.

ریسک توانایی

شکاف مثبت نرخ سپرده‌های یک بانک نسبت به سایر بانک‌ها، می‌تواند هم به‌عنوان یک مزیت (در جذب سپرده) و هم به‌عنوان یک ریسک (در افزایش هزینه منابع) تلقی شود. نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی‌ها و نسبت کفایت سرمایه نیز می‌توانند نشانگر ریسک بانک برای سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران باشند.

پیشینه پژوهش

سیف‌الله و همکاران (۲۰۱۸)، تفاوت ریسک بین بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف را با توجه ویژه به نقش شورای نظارت بر شریعت (SSB) بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای از بانک‌ها در ۲۸ کشور، به این نتیجه رسیدند که بانک‌های اسلامی دارای ریسک نقدینگی بالاتر، ریسک اعتباری پایین‌تر و خطر ورشکستگی کمتر هستند؛ اما از نظر ریسک عملیاتی تفاوت معناداری با بانک‌های متعارف ندارند. همچنین، ریسک عملیاتی و ورشکستگی در بانک‌های

اسلامی با افزایش اندازه SSB و سطح تحصیلات اعضای آن کاهش می‌یابد؛ ولی با افزایش تعداد دانشمندان مشهور شریعت در SSB، این ریسک‌ها افزایش می‌یابند. ویژگی‌های SSB تأثیر قابل توجهی بر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری ندارند. یافته‌های این پژوهش با استفاده از سیستم تخمین GMM (روش لحظه‌های تعمیم‌یافته) به دست آمده است.

هالم و السعید (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان "اثر واسطه عملکرد مالی در رابطه بین مسئولیت‌های اجتماعی و ساختار مالکیت" با استفاده از روش داده‌های پانل در شرکت‌های ثبت‌شده در شاخص مسئولیت اجتماعی مصر طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ نشان دادند که عملکرد مالی بهتر (یا بدتر) و مسئولیت اجتماعی، راهنمایی برای سرمایه‌گذاران سازمانی است تا بتوانند تصمیمات آگاهانه‌تری برای سرمایه‌گذاری اتخاذ نمایند.

الینگ و مارک (۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان "حاکمیت شرکتی و ریسک‌پذیری در بازار بیمه کشورهای انگلستان و آلمان" نشان دادند که در سطوح بالاتر حاکمیت شرکتی، ریسک کمتری وجود دارد.

فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی و مقایسه تطبیقی بین کشورهای در حال توسعه (D8) و توسعه‌یافته (G7) در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ با استفاده از نمونه ۱۵ بانک منتخب پرداختند. برای برآورد مدل، از روش داده‌های تابلویی استفاده شد و جهت آزمون اعتبار مدل از آزمون F و برای انتخاب بین اثرات ثابت و متغیر از آزمون هاسمن استفاده گردید. نتایج حاصل از برآورد مدل بیانگر اثرات معنادار متغیرهای حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها بود و همچنین تفاوت معناداری بین متغیرهای مورد بررسی در کشورهای D8 و G7 وجود داشت.

شریفی (۱۳۹۶)، رابطه حاکمیت شرکتی با ریسک‌پذیری و عملکرد بانک‌ها را بررسی کرده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که با روش حذف سیستماتیک، ۱۳ بانک برای بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ انتخاب شدند. برای تحلیل اطلاعات از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده و داده‌ها از صورت‌های مالی بانک‌ها، گزارش فعالیت‌های هیئت‌مدیره و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردیده است. این تحقیق دارای دو فرضیه اصلی است. نتایج فرضیه اول نشان داد که بین استقلال هیئت‌مدیره، درصد مالکیت مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره با ریسک‌پذیری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد. در فرضیه دوم نیز مشخص شد که اندازه هیئت‌مدیره و درصد مالکیت مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره بر عملکرد بانک‌ها تأثیر معناداری دارند.

ریاضی و جلیلیان (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه بین ریسک اعتباری و حاکمیت شرکتی پرداختند. جامعه آماری شامل بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده و از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک ۱۵ بانک انتخاب شد. پژوهش دارای دو فرضیه بوده که با استفاده از روش رگرسیون داده‌های تابلویی (با رویکرد اثرات ثابت) و نرم‌افزار EViews تحلیل شدند. همچنین، برای آزمون همبستگی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج مدل نشان داد که بین ریسک اعتباری و استقلال هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت، رابطه معناداری وجود ندارد. در نهایت، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که دارای تمرکز مالکیت بالاتری هستند؛ زیرا تمرکز بیشتر مالکیت باعث کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و افزایش بهره‌وری و رونق بنگاه اقتصادی می‌شود.

روش شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع همبستگی است. در پژوهش‌های همبستگی، داده‌ها و اطلاعات اولیه غالباً از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و با استفاده از روش‌ها و

تکنیک‌های آماری و معیارهای پذیرفته‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین در این نوع پژوهش‌ها، ممکن است با رویکرد استقرایی یا از طریق فرا تحلیل، به تولید نظریه‌های علمی نیز پرداخته شود.

در این فرآیند، نقش عقل و اندیشه پژوهشگر در نحوه به‌کارگیری روش‌ها و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده، بسیار حائز اهمیت است. هدف اصلی در مطالعات همبستگی، کشف وجود رابطه میان دو یا چند دسته از متغیرهاست. در این پژوهش، محقق علاوه بر بررسی همبستگی بین متغیرها، درصدد است تا دریابد که آیا رابطه‌ای علی و معلولی نیز میان آن‌ها وجود دارد یا خیر. از این‌رو، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش رگرسیون به منظور بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده خواهد شد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بانک‌های فعال در سیستم بانکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. با توجه به محدود بودن حجم جامعه آماری، بانک‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع هدفمند است؛ به این معنا که نمونه‌گیری براساس معیارهای مشخص و مرتبط با هدف پژوهش انجام شده است. در نهایت، نمونه آماری شامل ۱۱ بانک فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جدول ذیل آمار توصیفی داده‌های تحقیق را ارائه نموده است. در آمار توصیفی خصوصیات و ویژگی‌های عمومی تحقیق ارائه می‌شود. میانگین مرکز ثقل داده‌های هر سری است. انحراف معیار داده‌های تحقیق به معنای پراکندگی داده‌های تحقیق است؛ هر قدر انحراف معیار داده‌ها به سمت صفر نزدیک باشد به معنای پراکندگی کم‌تر در داده‌های تحقیق است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	میانه	حداکثر
ریسک عملیاتی	RISKO	۹۰۱	۱۷۳۴۸	۶۴۵	۸۰۲	۱۳۰۲
میانگین رشد درآمدهای مشاع	SALESGR	۳۳۶۶	۱۲۳۶۵۲	۱۵۲۸	۲۳۴۴	۶۲۷۵
سود تقسیمی بانک	DVID	۰.۱۶۵۳۴	۲.۵۰۳۰۵	۰.۰۸۵۳	۰.۱۰۶۶	۰.۲۵۳۶۴
ریسک نقدینگی	RISKL	۰.۲۹۴۵۸	۳۷.۶۹۳۳۶	۰.۱۷۰۲۸	۰.۲۲۷۱۵	۰.۴۹۰۱۱
شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک	CSR	۰.۰۲۳۱-	۰.۱۱۳۵۲	۰.۸۱۰۳۷-	۰.۰۰۰۳۳	۰.۰۹۵۲۶
ترکیب دارایی‌های بانک	TANG	۰.۴۲۰۹	۰.۲۲۱۱	۰.۳۴۱۸۳	۰.۴۱۸۷	۰.۷۸۷۱۵
ریسک اعتباری	RISKC	۰.۲۵۵۸۶	۰.۲۳۹۲۵	۰.۰۰۸۰۳	۰.۱۸۵۶۸	۱.۳۸۲۷
شاخص حاکمیت شرکتی بانک	GOV	۰.۴۹۶۸۱	۰.۰۰۳۹۶	۰.۲۷۶۰۲	۰.۳۱۸۲۴	۰.۶۹۹۸۹

شاخص‌های آماری مورد استفاده در پژوهش

در علم آمار، شاخص‌های آماری به دو دسته اصلی شاخص‌های تمرکز و شاخص‌های پراکندگی تقسیم می‌شوند. در این پژوهش نیز برای توصیف داده‌ها از هر دو دسته شاخص یادشده استفاده شده است.

از میان شاخص‌های تمرکز، میانگین و میانه به عنوان شاخص‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه، در شاخص حاکمیت شرکتی، میانگین برابر با ۰.۴۹۶۸ به‌دست آمده است. این عدد نشان می‌دهد که به‌طور میانگین، سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌های مورد بررسی نزدیک به این مقدار بوده و می‌توان آن را نماینده‌ای مناسب برای مجموعه داده‌ها در این شاخص در نظر گرفت.

میانه نیز شاخصی است که نشان می‌دهد ۵۰ درصد از داده‌های مربوط به شاخص مورد بررسی، کمتر یا مساوی با این مقدار هستند. این شاخص به‌ویژه در مواردی که داده‌ها دارای پراکندگی زیاد یا توزیع نامتقارن باشند، نماینده بهتری از مرکز داده‌ها به شمار می‌رود.

در حوزه شاخص‌های پراکندگی نیز، از انحراف معیار استفاده شده است. این شاخص، میزان پراکندگی داده‌ها حول میانگین را نمایش می‌دهد. در شاخص حاکمیت شرکتی، انحراف معیار برابر ۰.۰۰۳۹۶ به دست آمده که حاکی از پایین بودن پراکندگی داده‌ها و همگنی نسبی در سطح حاکمیت شرکتی در میان بانک‌های مورد بررسی در صنعت بانکداری ایران است.

آزمون تشخیص مدل (آزمون چاو)

قبل از تخمین مدل‌ها، ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت‌ها) وجود دارد یا این که می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را با استفاده از روش تلفیقی (Pooling) روی هم ریخت و از آن در تخمین مدل استفاده کرد. در تخمین‌های تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم آماره آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرض H_0 استفاده از روش داده‌های تلفیقی (Pooling) را در مقابل فرض H_1 یعنی استفاده از روش داده‌های تابلویی (Panel) نشان می‌دهد.

❖ فرض صفر: روش داده‌های تلفیقی (Pooling) مناسب است.

❖ فرض مقابل: روش داده‌های تابلویی (Panel) مناسب است.

آزمون تشخیص نوع مدل (آزمون هاسمن)

بعد از اینکه با استفاده از آزمون F لیمر نتیجه شد که برای برآورد مدل‌های موردنظر باید از روش پانل استفاده کرد در ادامه برای تشخیص اینکه در برآورد مدل‌های پانل دیتا کدام روش (مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی) مناسب است، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. در این آزمون، فرض صفر بیانگر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی است و رد فرض صفر به منزله کارآتر بودن مدل اثرات ثابت برای تخمین مدل تحقیق است.

❖ فرض صفر: مدل اثرات تصادفی مناسب است.

❖ فرض مقابل: مدل اثرات ثابت مناسب است.

جدول (۲): آزمون راست نمایی اثرات ثابت و هاسمن در مدل‌های مختلف

مدل	آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون	نوع برآورد
اول	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۴.۱۷	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش اثر ثابت
	آزمون هاسمن	کای دو	۴	۲۴.۰۲	۰.۰۰۷۵	رد فرضیه صفر	
دوم	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۳.۷۳	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش اثر ثابت
	آزمون هاسمن	کای دو	۴	۱۸.۶۸	۰.۰۲۸	رد فرضیه صفر	
سوم	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۵.۵۱	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش اثر ثابت
	آزمون هاسمن	کای دو	۴	۳۵.۲۸	۰.۰۰۰۱	رد فرضیه صفر	
چهارم	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۴.۴۶	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش اثر ثابت
	آزمون هاسمن	کای دو	۴	۱۸.۵۱	۰.۰۴۶۹	رد فرضیه صفر	
پنجم	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۵.۸۴	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش اثر ثابت
	آزمون هاسمن	کای دو	۴	۲۸.۲۲	۰.۰۰۰۹	رد فرضیه صفر	
ششم	آزمون F لیمر	F	(۱۰,۵۴۷)	۴.۳۳	۰	رد فرضیه صفر	تخمین به روش

آزمون هاسمن	کای دو	۴	۲۳۰۰۹	۰۰۱۰۴	رد فرضیه صفر	اثر ثابت
-------------	--------	---	-------	-------	--------------	----------

فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر ریسک نقدینگی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

برای تنظیم جدول شماره (۳) که نتایج برآورد فرضیه اول را نشان می‌دهد، از اطلاعات ارائه شده استفاده می‌کنم. جدول به صورت منظم و با فرمت واضح تنظیم خواهد شد. در این جدول، ستون‌ها شامل نام متغیر، نماد، مقدار برآورد (ضریب)، نتیجه (جهت و معناداری)، و مقدار p-value (در پرانتز) هستند. همچنین اطلاعات تکمیلی مانند تعداد مشاهدات (N) و ضریب تعیین (R^2) در انتهای جدول قرار می‌گیرند.

جدول (۳): نتایج برآورد فرضیه اول

نام متغیر	نماد	مقدار برآورد	نتیجه	p-value
عرض از مبدا	C	۰۰۱۶۸	مثبت و بی معنی	(۰۰۶۲۷)
شاخص حاکمیت شرکتی بانک	GOV	-۰۰۵۲۵	منفی و معنادار	(۰۰۰۰۰)
میانگین رشد درآمدهای مشاع	SALESGR	-۰۰۵۲۱۵	منفی و معنادار	(۰۰۰۰۰)
ترکیب دارایی‌های بانک	TANG	۰۰۳۶۱۸	مثبت و معنادار	(۰۰۰۰۰)
سود تقسیمی بانک	DVID	-۰۰۰۸۲۷	منفی و معنادار	(۰۰۰۰۰)

حاکمیت شرکتی: (GOV) با افزایش هر واحد در شاخص حاکمیت شرکتی، ریسک نقدینگی بانک‌ها به میزان ۰۰۵۲ واحد کاهش می‌یابد (تأثیر منفی و معنادار).

میانگین رشد درآمدهای مشاع: (SALESGR) با افزایش هر واحد در این شاخص، ریسک نقدینگی بانک‌ها به میزان ۰۰۵۲۱ واحد کاهش می‌یابد (تأثیر منفی و معنادار).

ترکیب دارایی‌ها: (TANG) با افزایش هر واحد در شاخص ترکیب دارایی‌ها، ریسک نقدینگی بانک‌ها به میزان ۰۰۳۶۱۸ واحد افزایش می‌یابد (تأثیر مثبت و معنادار).

سود تقسیمی با: (DVID) با افزایش هر واحد در شاخص سود تقسیمی، ریسک نقدینگی بانک‌ها به میزان ۰۰۸۲۷ واحد کاهش می‌یابد (تأثیر منفی و معنادار).

عرض از مبدا: (C) ضریب مثبت و غیرمعنادار است، به این معنی که تأثیر قابل توجهی بر ریسک نقدینگی ندارد.
فرضیه دوم: حاکمیت شرکتی بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

نتایج برآورد مدل فرضیه دوم در جدول شماره (۴) ارائه شده است:

جدول (۴): نتایج برآورد فرضیه دوم

نام متغیر	نماد	مدل دوم	نتیجه
عرض از مبدا	C	۰۰۱۷۰ (۰۰۶۶۲)	مثبت و بی معنی
شاخص حاکمیت شرکتی بانک	GOV	-۰۰۵۳۶ (۰۰۰۰۰)	منفی و معنادار
میانگین رشد درآمدهای مشاع	SALESGR	-۰۰۵۲۲۵ (۰۰۰۰۰)	منفی و معنادار
ترکیب دارایی‌های بانک	TANG	۰۰۳۳۰۶ (۰۰۰۰۰)	مثبت و معنادار
سود تقسیمی بانک	DVID	-۰۰۱۹۸۷ (۰۰۰۰۰)	منفی و معنادار
تعداد (N)		۸۶۰	
ضریب تعیین (R^2)		۰۰۸۸	برازش مناسب

منبع: محاسبات تحقیق

تحلیل نتایج مدل دوم (فرضیه دوم)

مدل دوم نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص حاکمیت شرکتی، ریسک عملیاتی بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۰۵۳ واحد کاهش می‌یابد. در نتیجه، شواهدی دال بر رد این فرضیه مشاهده نشد و فرضیه دوم تایید می‌شود.

همچنین، نتایج مدل بیانگر موارد زیر است:

✓ میانگین رشد درآمدهای مشاع در سه سال گذشته بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به طوری که با افزایش هر واحد شاخص میانگین رشد درآمدهای مشاع در سه سال گذشته، ریسک عملیاتی بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۵۲۲ واحد کاهش می‌یابد.

✓ ترکیب دارایی‌ها بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص ترکیب دارایی‌ها، ریسک عملیاتی بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۳۳۰۶ واحد افزایش می‌یابد.

✓ سود تقسیمی بانک بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص سود تقسیمی بانک، ریسک عملیاتی بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۱۹۸۷ واحد کاهش می‌یابد.

فرضیه سوم: حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

نتایج برآورد مدل فرضیه سوم در جدول شماره (۵) ارائه شده است:

جدول (۵): نتایج برآورد فرضیه سوم

نام متغیر	نماد	مقدار ضریب (آماره t)	نتیجه
عرض از مبدأ	C	۰.۰۱۶۹ (۰.۶۲۵)	مثبت و بی‌معنا
شاخص حاکمیت شرکتی بانک	GOV	۰.۵۴۳۰- (۰.۰۰۰۰)	منفی و معنادار
میانگین رشد درآمدهای مشاع	SALESGR	۰.۵۴۶۶- (۰.۰۰۰۰)	منفی و معنادار
ترکیب دارایی‌های بانک	TANG	۰.۰۴۳۱ (۰.۴۰۳)	مثبت و بی‌معنا
سود تقسیمی بانک	DVID	۰.۱۸۷۴- (۰.۰۰۰۰)	منفی و معنادار
—	N	۸۶۰	تعداد مشاهدات
ضریب تعیین	R ²	۰.۸۶	برآزش مناسب

حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص حاکمیت شرکتی؛ ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۰۵۴۳ واحد کاهش می‌یابد. در نتیجه شواهدی دال بر رد این فرضیه مشاهده نشد.

میانگین رشد درآمدهای مشاع در سه ساله گذشته بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص میانگین رشد درآمدهای مشاع در سه ساله گذشته؛ ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۵۴۶ واحد کاهش می‌یابد.

ترکیب دارایی‌ها بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبتی دارد؛ لازم بذکر است این متغیر تأثیر معناداری ندارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص ترکیب دارایی‌ها؛ ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۰۴۳۱ واحد افزایش می‌یابد.

سود تقسیمی بانک بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. به گونه‌ای که با افزایش هر واحد شاخص سود تقسیمی بانک؛ ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس به اندازه ۰.۱۸۷ واحد کاهش می‌یابد.

فرضیه چهارم: مسئولیت اجتماعی بر ریسک نقدینگی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

نتایج برآورد مدل فرضیه چهارم در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۶): نتایج برآورد فرضیه چهارم

نام متغیر	نماد	مقدار ضریب (آماره t)	نتیجه
عرض از مبدأ	C	۵.۸۱۵۷ (۰.۰۳۷)	مثبت و معنادار
مسئولیت اجتماعی	CSR	-۰.۳۶۹۵ (۱۲۲.۰)	منفی و بی‌معنا
میانگین رشد درآمدهای مشاع	SALESGR	-۰.۱۵۵۴ (۰.۰۰۱)	منفی و معنادار
ترکیب دارایی‌های بانک	TANG	۰.۰۰۹۵ (۰.۰۰۰)	مثبت و معنادار
سود تقسیمی بانک	DVID	۰.۱۲۴۱ (۰.۰۰۰)	مثبت و معنادار
—	N	۸۶۰	تعداد مشاهدات
ضریب تعیین	R ²	۰.۸۳	برازش مدل

تحلیل نتایج فرضیه چهارم

تأثیر مسئولیت اجتماعی: (CSR) ضریب متغیر مسئولیت اجتماعی منفی اما بی‌معنا است، به این معنا که افزایش مسئولیت اجتماعی در بانک‌ها، ریسک نقدینگی را به‌طور متوسط به اندازه ۰.۳۶۹ واحد کاهش می‌دهد، اما از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، فرضیه چهارم رد می‌شود و نمی‌توان گفت که مسئولیت اجتماعی تأثیر معناداری بر ریسک نقدینگی دارد.

میانگین رشد درآمدهای مشاع: (SALESGR) این متغیر تأثیر منفی و معناداری بر ریسک نقدینگی دارد. افزایش هر واحد در این شاخص باعث کاهش ۰.۱۵۵۴ واحدی در ریسک نقدینگی بانک‌ها می‌شود.

ترکیب دارایی‌ها: (TANG) این متغیر تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ یعنی هر واحد افزایش در شاخص ترکیب دارایی‌ها منجر به افزایش ۰.۰۰۹۵ واحدی در ریسک نقدینگی می‌شود.

سود تقسیمی بانک: (DVID) سود تقسیمی نیز بر ریسک نقدینگی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ یعنی با افزایش هر واحد در سود تقسیمی، ریسک نقدینگی بانک‌ها به میزان ۰.۱۲۴۱ واحد افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: مسئولیت اجتماعی بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

جدول (۷): نتایج برآورد مدل فرضیه پنجم

تفسیر ضریب	معنی‌دار بودن (p-value)	ضریب	نام متغیر	نماد	مدل پنجم	نتیجه
	۰.۰۳	۰.۰۳۷	عرض از مبدأ	C	۵/۸۴۱۶	مثبت و معنادار
هر واحد افزایش CSR، ریسک عملیاتی ۰.۴۷۴۹ واحد کاهش می‌یابد	۰.۰۲	-۰.۴۷۴۹	مسئولیت اجتماعی	CSR	-۰.۴۷۴۹	منفی و معنادار

منفی و معنادار	-۰.۱۵۵۶	SALESGR	میانگین رشد درآمدهای مشاع	-۰.۱۵۵۶	۰.۰۰۱	هر واحد افزایش رشد درآمد، ریسک عملیاتی کاهش می‌یابد
مثبت و بی‌معنی	۰.۰۰۴۲	TANG	ترکیب دارایی‌های بانک	۰.۰۰۴۲	۰.۳۶۴	تأثیر معنادار نیست
منفی و معنادار	-۰.۱۵۴۷	DVID	سود تقسیمی بانک	-۰.۱۵۴۷	۰.۰۰۰	افزایش سود تقسیمی با کاهش ریسک عملیاتی همراه است
—	۸۶۰	N	تعداد	—	—	
مثبت و معنادار	۰.۹۱	R2	ضریب تعیین	۰.۹۱	—	مدل توان توضیح ۹۱٪ تغییرات ریسک عملیاتی را دارد

تحلیل نتایج:

مسئولیت اجتماعی (CSR): ضریب منفی (-۰.۴۷۴۹) و معنادار بودن آماری ($p=0.02$) نشان می‌دهد که با افزایش مسئولیت اجتماعی، ریسک عملیاتی بانک‌ها کاهش می‌یابد. یعنی مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر ریسک عملیاتی دارد.

میانگین رشد درآمدهای مشاع (SALESGR): تأثیر منفی و معنادار (-۰.۱۵۵۶) دارد و بیانگر آن است که افزایش درآمدهای مشاع منجر به کاهش ریسک عملیاتی می‌شود.

ترکیب دارایی‌ها (TANG): ضریب مثبت ولی بی‌معنی (۰.۰۰۴۲) و $p=0.364$ نشان می‌دهد این متغیر تأثیر معناداری بر ریسک عملیاتی ندارد.

سود تقسیمی (DVID): ضریب منفی (-۰.۱۵۴۷) و معنادار بودن ($p=0.000$) دلالت بر این دارد که افزایش سود تقسیمی با کاهش ریسک عملیاتی همراه است.

خلاصه کلی:

فرضیه پنجم که بیان می‌کند «مسئولیت اجتماعی بر ریسک عملیاتی بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد» به صورت معنادار و قابل قبول توسط داده‌ها پشتیبانی شده است. افزایش شاخص مسئولیت اجتماعی، ریسک عملیاتی بانک‌ها را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد.

فرضیه ششم: مسئولیت اجتماعی بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

معنی اثر	معنی دار بودن (سطح اهمیت)	نتیجه مدل فرضیه ششم	نماد	نام متغیر
مثبت و معنی‌دار	۰.۰۳۷	۵.۸۳۴۸	C	عرض از مبدا
منفی و معنی‌دار	۰.۰۲۹	-۰.۴۵۶۳	CSR	مسئولیت اجتماعی
منفی و معنی‌دار	۰.۰۰۱	-۰.۱۵۶۲	SALESGR	میانگین رشد درآمدهای مشاع
مثبت و معنی‌دار	۰.۰۰۰	۰.۰۱۹۴	TANG	ترکیب دارایی‌ها
منفی و معنی‌دار	۰.۰۰۰	-۰.۱۱۲۵	DVID	سود تقسیمی بانک
—	—	۸۶۰	N	تعداد
—	—	۰.۸۹	R2	ضریب تعیین

تحلیل نتایج

مسئولیت اجتماعی (CSR):

اثر منفی و معنی‌داری بر ریسک اعتباری بانک‌ها دارد. به این معنا که افزایش مسئولیت اجتماعی موجب کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها می‌شود. هر یک واحد افزایش در شاخص مسئولیت اجتماعی باعث کاهش ریسک اعتباری به اندازه ۰.۴۵۶۳ واحد می‌شود.

میانگین رشد درآمدهای مشاع (SALESGR):

اثر منفی و معنی‌دار دارد؛ افزایش رشد درآمدهای مشاع موجب کاهش ریسک اعتباری است.

ترکیب دارایی‌ها (TANG):

اثر مثبت و معنی‌دار بر ریسک اعتباری دارد؛ یعنی با افزایش ترکیب دارایی‌ها، ریسک اعتباری افزایش می‌یابد.

سود تقسیمی بانک (DVID):

اثر منفی و معنی‌دار دارد؛ افزایش سود تقسیمی موجب کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها می‌شود.

نتیجه کلی

مسئولیت اجتماعی بانک‌ها، میانگین رشد درآمدهای مشاع و سود تقسیمی، تأثیر منفی و معنی‌دار بر ریسک اعتباری بانک‌ها دارند و باعث کاهش ریسک می‌شوند.

ترکیب دارایی‌ها تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد و با افزایش آن، ریسک اعتباری بیشتر می‌شود.

مدل فرضیه ششم تأیید می‌شود و شواهدی دال بر رد فرضیه مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه به بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی بانک‌ها بر نوع ریسک‌پذیری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی بانک‌ها تأثیر منفی و معناداری بر ریسک اعتباری آنها دارد؛ به این معنا که با افزایش تعهدات مسئولیت اجتماعی، ریسک اعتباری کاهش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که بانک‌هایی که در چارچوب مسئولیت اجتماعی فعالیت می‌کنند، اعتماد بیشتری را از سوی سرمایه‌گذاران و مشتریان کسب کرده و در نتیجه، در معرض ریسک کمتری قرار می‌گیرند.

همچنین، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مانند ترکیب دارایی‌ها و سیاست تقسیم سود نیز نقش مهمی در تعیین سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها ایفا می‌کنند. ترکیب دارایی‌ها به طور معناداری موجب افزایش ریسک اعتباری می‌شود، در حالی که سیاست‌های تقسیم سود مناسب می‌تواند این ریسک را کاهش دهد. این یافته‌ها بر اهمیت مدیریت بهینه دارایی‌ها و اتخاذ سیاست‌های تقسیم سود مؤثر برای کاهش ریسک و ارتقای پایداری بانک‌ها تأکید دارد.

در نهایت، این تحقیق تأکید می‌کند که تقویت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در بهبود مدیریت ریسک و افزایش پایداری بانک‌ها در بازار سرمایه ایران مورد توجه قرار گیرد. این یافته‌ها می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای سیاست‌گذاران و مدیران بانک‌ها در جهت تدوین استراتژی‌های مدیریت ریسک و ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشد.

منابع:

✓ حساس یگانه، یحیی، داداشی، ایمان، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها. فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۵-۶۰.

- ✓ خوش‌طینت، محسن، راعی، رضا، (۱۳۸۳)، نقش افشای اطلاعات در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۵-۳۰.
- ✓ ریاضی، احسان، جلیلیان، امید، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ریسک اعتباری و حاکمیت شرکتی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، [نام ژورنال اگر موجود باشد، مانند: فصلنامه پژوهش‌های مالی و بانکی]، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴۵-۶۰.
- ✓ رستمی، وحید، حسینی، سیدعلی، (۱۳۹۵)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت بازرگانی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۶۵-۸۲.
- ✓ سیف، اله‌مراد، (۱۳۹۳)، اصول حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی و بانک‌ها، فصلنامه مدیریت مالی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲-۲۵.
- ✓ شریفی، سیدعلی، (۱۳۹۶)، رابطه حاکمیت شرکتی با ریسک‌پذیری و عملکرد بانک‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، نام ژورنال اگر موجود باشد، مانند: فصلنامه مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۳-۵۰.
- ✓ عرب‌صالحی، مهدی، همکاران، (۱۳۹۲)، رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۵-۷۰.
- ✓ فخاری، حسین، یوسف‌نژاد، علی، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۸.
- ✓ فرزینوش، ایدالله، همکاران، (۱۳۹۶)، نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی: مقایسه تطبیقی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، نام ژورنال اگر موجود باشد، مانند: فصلنامه اقتصاد و بانکداری، دوره ۵، شماره ۳، صص ۲۰-۳۵.
- ✓ قراملکی، احد، (۱۳۸۳)، عنوان مقاله یا کتاب به فارسی، مانند: اخلاق سازمانی و مسئولیت اجتماعی.
- ✓ کاشانی‌پور، محمد، مهرانی، ساسان، (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر افشای اطلاعات مالی و غیرمالی بر ریسک شرکت‌ها، فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره ۴، شماره ۳، صص ۴۰-۵۵.
- ✓ نمازی، محمد، کریمی، شیرین، (۱۳۹۴)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت ریسک در بانک‌های ایرانی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۰-۹۵.
- ✓ یزدانی، ناصر، (۱۳۹۲)، حاکمیت شرکتی و نقش آن در کاهش ریسک‌های مالی در بانک‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ✓ Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- ✓ Elling, M., & Marek, S. (2014). Corporate governance and risk-taking in the insurance markets of the UK and Germany. *Journal of Risk and Insurance*, 81(3), 567-591.
- ✓ Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
- ✓ Gaioli, F., & Colleagues. (2010). [Title of the article, e.g., Institutional ownership and earnings quality]. [Journal Name if available].
- ✓ Halm, T., & Al-Saeed, M. (2015). The mediating effect of financial performance on the relationship between social responsibility and ownership structure. *Journal of Business Ethics*, 129(4), 845-860.
- ✓ Hawley, J. P., & Colleagues. (2012). [Title of the article or book]. [Journal or Publisher Name if available].
- ✓ J.P. Morgan. (1996). RiskMetrics—Technical document (4th ed.). J.P. Morgan/Reuters.

- ✓ Jin, Y., & Drozdenko, R. (2010). [Title of the article, e.g., Relationships among perceived organizational core values, corporate social responsibility, ethics, and organizational performance outcomes: An empirical study]. *Journal of Business Ethics*, 92(3), 341–359.
- ✓ Khavaji, S., & Colleagues. (2011). [Title of the article or book in Persian, translated if necessary]. [Journal or Publisher Name if available].
- ✓ Macaulay, F. R. (2003). [Title of the article or book, e.g., Duration and bond risk measurement]. [Journal or Publisher Name if available].
- ✓ Tsoutsoura, M. (2004). *Corporate social responsibility and financial performance*. University of California, Berkeley.
- ✓ Van de Velde, E., & Colleagues. (2005). [Title of the article, e.g., Corporate social responsibility and financial performance]. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 5(3), 129–138.
- ✓ Xu, X., & Wang, Y. (1997). *Ownership structure, corporate governance, and corporate performance: The case of Chinese stock companies*. World Bank Policy Research Working Paper No. 1794.

